

سفرهای علمای مغرب به حرمین شریفین و تأثیر علمی و فرهنگی آن در مغرب (با تأکید بر اجازات علما)

حافظ نجفی*

چکیده

مکه و مدینه، به عنوان مرکز وحی و رسالت، همواره مقصد مسلمانان، به ویژه عالمان دینی، بوده است. علمای دین با هدف انجام فریضه حج و زیارت و کسب علوم و معارف دینی، به دو شهر مکه و مدینه هجرت می کردند.

در این مقاله که با روش توصیفی - تحلیلی و استقضا از منابع تاریخی نگارش یافته، به دنبال واکاوی دلایل سفرهای علمای مغرب در قرون میانی تاریخ اسلام به حرمین شریفین و پاسخ به این سؤال هستیم که سفرهای علمای مغرب به حرمین شریفین - به ویژه اجازات علمای حرمین - چه تأثیری در گسترش علوم و معارف اسلامی در مغرب داشته است؟

نتیجه این تحقیق نشان داد علمای مغرب در این محدوده تاریخی به منظور دستیابی به اسناد عالی روایات و کسب اجازه از اساتید، به حرمین شریفین سفر می کردند. آنان در این سفرها می کوشیدند با شناسایی اساتید صاحب نام آن زمان که روایات

*. سطح چهار حوزه علمیه، عضو گر «اخلاق و اسرار پژوهشکده حج و زیارت». hnk317@yahoo.com

صحیح‌السنند را با کمترین واسطه در اختیار داشتند، مدت‌ها آنها را شاگردی، و اجازه نقل احادیث از آنان دریافت کنند.

برابر مستنداتی که در این تحقیق ارائه شده، این سفرهای علمی و اجازات علمای حرمین، باعث ارتقای علمی و مقبولیت اجتماعی علمای مغرب گردید و آنها توانستند با انتقال کتاب‌های حدیثی، تشکیل کرسی‌های تدریس، شرح و تفسیر روایات، تربیت شاگردان و صدور اجازه برای آنان و همچنین نگارش و انتشار کتاب، علوم و معارف اسلامی را در مغرب گسترش دهند و در اشاعه فرهنگ اسلامی در مغرب مؤثر واقع شوند.

کلیدواژه‌ها: سفرهای علما، مغرب، حرمین شریفین، علم و فرهنگ.

مقدمه

مسلمانان، با هدف پاسخ به ندای الهی^۱ و کسب معنویت، در طول تاریخ اسلام، برای ادای فریضه حج و زیارت پیامبر اسلام ﷺ به سوی مکه و مدینه رهسپار می‌شدند. حرمین شریفین، علاوه بر حج و زیارت، به عنوان کانون اصلی علوم دینی، مقصد بسیاری از جویندگان علوم و معارف اسلامی نیز شناخته می‌شد.

نقش تمدن‌سازی و علم‌گستری دین اسلام و توصیه‌های پیامبر اسلام ﷺ نسبت به ضرورت رویکرد علمی مسلمانان، مکه و مدینه را از همان آغاز پیدایش اسلام به مرکز نشر علوم و معارف الهی تبدیل کرد و باعث هجرت جویندگان علم از سراسر دنیا به آن شهر گردید. عالمان و فرهیختگان مغرب نیز با هدف حج‌گزاری و کسب معنویت و علوم دینی به حرمین شریفین سفر می‌کردند. این سفرها برای آنان، دستاوردهای فراوان معنوی، علمی و فرهنگی به دنبال داشت.

شرح حال و گزارش سفرهای علمای مغرب در سده‌های میانی نشان می‌دهد آنان با سفر به حرمین شریفین و سماع روایات و دریافت اجازه از اساتید، موفق شدند

۱. ﴿وَ أَدِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾. (حج: ۲۷)

کتاب‌ها و آثار علمی مهمی را به مغرب انتقال دهند و منتشر کنند. تاکنون آثار بسیاری در زمینه گزارش این سفرها و نقش آنها در انتقال و گسترش علم و ارتقای فرهنگ مغرب نگاشته شده است؛ از جمله:

۱. حدادی در کتاب دو جلدی *الرحلة ابن رُشيد السيتي؛ دراسة و تحليل* (چاپ اول، مغرب، منشورات وزارة الأوقاف و الشؤون الاسلاميه، ۱۴۲۴ق). به تبیین اطلاعات گسترده ابن رشید پیرامون نام مشایخ و استادان در علوم مختلف پرداخته و فهرستی از مشایخ مغرب، تونس، مصر و حرمین شریفین را آورده که ابن رشید از آنها کُتبی آموخته و اجازه دریافت کرده است.

۲. بعلی حفاوی در کتاب *الرحلات الحجازية المغاربية: المغاربة الأعلام في البلد الحرام؛ دراسة نقدية ثقافية* (الجزائر، داراليازورى العلميه للنشر و التوزيع، ۲۰۱۸م) - که پژوهشی درباره تاریخ سفرهای علمی و حدیثی عالمان اندلس و مغرب به حجاز و معرفی مقاطع مهم و آثار آنهاست - اهتمام عالمان اندلس و مغرب به فراگیری از مشایخ شرق و حجاز را تأکید، و نمونه‌هایی از اجازه‌نامه‌های آنان را ذکر کرده است.

۳. عبدالقادر العافیة در کتاب *رحلة الحج و لقاء الشيوخ: التجیبي نموذجاً* (مغرب، دارابن حزم، مرکز التراث الثقافی، ۱۴۲۸ق). به بررسی محتوای سفرنامه قاسم بن یوسف تجیبی (م. ۷۳۰ق). پرداخته که سال ۶۹۶ قمری از شهر سبتة به حجاز سفر کرده و اطلاعاتی از ملاقات و گفت‌وگو با استادان و عالمان حجاز و اجازه‌نامه‌های مختلفی از آنها به جای گذارده است. تجیبی در مکه نزد عالمان و مشایخ، منابع و کتب حدیثی مختلفی خوانده و از شماری نیز اجازه‌نامه گرفته است.

۴. الناجی لمین (معاصر) در کتاب *رحلات علماء المغربین الأقصى و الأوسط المکیة و آثارها العلمیة من خلال القرنین السابع و الثامن الهجریین* (القاهرة، دارالکلمة للنشر و التوزيع، ۲۰۱۶م). ۲۲ نفر از علمای قرن ۷ و ۸ هجری را معرفی کرده که به مشرق اسلامی، خصوصاً حرمین شریفین، هجرت کردند و موفق به کسب دانش و اخذ اجازه از محضر علمای حرمین شریفین شدند.

۵. حمد الجاسر در سلسله مقالاتی (۹ مقاله) با عنوان «الحجاز فی القرن السابع الهجری علی ما فی رحلة ابن رُشید الأندلسی» (در مجله/العرب سعودی، ش ۱ (اکتبر ۱۹۶۹م.)، ص ۵۵-۶۳ و نیز: ش ۷ (آوریل ۱۹۶۹م.)، ص ۶۴۲-۶۵۸) به نقل بخش‌هایی از سفر ابن رُشید فِهری و ملاقات‌های وی با علما و فراگیری اخلاق و آداب و حکمت و سماع احادیث از مشایخ پرداخته است؛ از جمله: دیدار وی با شیخ ابومحمد بن زجاج و سماع حدیث از او. با وجود این آثار، مجال برای پژوهش و بررسی ضرورت این سفرها همچنان به چشم می‌خورد. برخلاف آثار یادشده، رویکرد این مقاله - که به بررسی سفرهای حج علمای مغرب در قرون میانی تاریخ اسلام می‌پردازد - فقط گزارش تاریخی این سفرها نبوده و سعی شده است نقش این سفرها در گسترش علوم و معارف اسلامی در مغرب، با مطالعه و بررسی اجازات علمای حرمین و نقش بارز آن در اعتبار علمی و اجتماعی و فعالیت‌های فرهنگی علمای مغرب، مورد بررسی قرار گیرد و به این سؤال پاسخ داده شود که سفرها و ارتباطات علمای مغرب با حرمین شریفین - به ویژه اجازات علما - چه تأثیری در گسترش علوم و معارف اسلامی در مغرب داشته است؟

اجازات علما در منابع کهن

اندیشوران مغربی، به عنوان مبلغان و مروجان معارف اسلامی، که ناگزیر بودند معارف دینی را از منبع لایزال وحی و همچنین از سنت و سیره علمی و عملی پیامبر اسلام ﷺ فرا گیرند و به تعلیم و تربیت مردم مبادرت ورزند، با هدف عمل به آیه شریفه ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ...﴾ (آل عمران: ۹۷) و انجام فریضه حج و زیارت، به حرمین شریفین سفر می‌کردند.

پس از فریضه حج، کسب دانش‌های اسلامی، از عوامل اساسی اهتمام مغربیان در سفر به حجاز - در همه ادوار تاریخ فرهنگی آنها - است. با وجود موانع عدیده‌ای مانند خطرات و ناامنی راه‌ها، بسیاری از مشتاقان علم و معنویت مغربی که حرمین شریفین را محل صدور معرفت اسلامی، مهبط وحی و محل تولد رسالت اسلام می‌دانستند،

با درك ضرورت انتقال و تبليغ معارف دينی در مغرب، عميقاً خود را نیازمند سفر به این دو مرکز علمی دانستند و در این راه‌های پرخطر قدم نهادند. آنان به دلایلی همچون فاصله طولانی سرزمین‌های مغرب از مرکزیت اسلام، دوری از مهد علوم و معارف دينی و قرابت مکانی با اروپا، همواره نسبت به اخلاق و اعتقادات مردم آن سامان، خائف و نگران بودند؛ خصوصاً پس از آنکه دولت اسلامی بعد از قرن ششم در اندلس به سستی گرایید، آنها با سفر به حرمین شریفین، می‌کوشیدند دانش و معرفت دينی خود را تعمیق بخشند و به مغرب انتقال دهند.

از سوی دیگر کاهش خطرات راه‌های منتهی به مکه و مدینه در دو قرن ۷ و ۸، سبب علاقه‌مندی بسیاری از مردم، از جمله عالمان دينی، به سفر مکه و مدینه گردید. علما می‌توانستند ضمن انجام فریضه حج و عمره و زیارت مدینه منوره، با شیوخ و استادان علوم دينی ملاقات کنند و از دانش و تخصص آنها در زمینه علوم و معارف اسلامی بهره بگیرند.

ملاقات

بررسی منابع کهن تاریخی محدوده قرون میانی، حاکی از اهتمام علما در این سفرهای علمی، به سماع روایات و دریافت اجازه از عالمان مستقر در شهرهای مشرق، خصوصاً حرمین شریفین، است. از جمله این منابع عبارت‌اند از:

۱. *الصله فی تاریخ ائمة الاندلس و علمائهم و محدثیهم و فقهایهم و ادبائهم* اثر ابوالقاسم بن بشکوال (۴۹۴ - ۵۸۷ق.م)، (ط ۲۰۱۰ م). در این کتاب نام و فعالیت علمی ۱۵۲۶ دانشمند مرد و ۱۵ دانشمند زن در قرن چهار و پنج هجری قمری معرفی شده است که بیش از یکصد نفر از آنان به مکه و مدینه سفر، و سماع حدیث کرده‌اند. هدف اصلی این عالمان مغربی، بررسی اسناد روایات و به دست آوردن اجازه نقل احادیث از علمای حرمین بوده است.

۲. *ملء العیبة بما جمع بطول الغیبة فی الوجهة الوجهة الی الحرمین مکه و طيبة* اثر محمد بن عمر، معروف به ابن رُشید سبّتی فهری (۶۵۷-۷۲۱ق.م)، (ط ۱۴۰۲ق.م). محمدبن عمر از عالمان و محدثان مغربی قرن هفتم هجری است.

۳. *مستفاد الرحلة والإعتراب* اثر قاسم بن یوسف تُجیبی سبّتی (م. ۷۳۰ ق) (بی تا).
تجیبی سال ۶۹۶ قمری از شهر سبته به حجاز سفر کرده و در این سفرنامه، گزارشی از ملاقات با استادان و عالمان مصر و مکه و دریافت اجازه نامه های متعدد از آنها ارائه داده است.

۴. *عجالة المستوفی المستجاز فی ذکر من سمع من المشائخ دون من اجاز من ائمة المغرب والشام والحجاز* اثر ابو عبدالله شمس الدین محمد بن احمد العُجیبی، معروف به خطیب و ابن مرزوق (۷۱۰-۷۸۳ ق)، (بی تا). ایشان به مدت پانزده سال، علوم مختلف اسلامی را در مصر، شام و حرمین نزد مشایخ شرق فراگرفت و اجازه دریافت کرد. وی در این مدت، شرح حال نزدیک به هزار نفر از مشایخ و استادان را در این کتاب نوشت.

۵. *الرحلة المغربیه* اثر ابو عبدالله محمد بن محمد بن علی... الحاحی المشهور بالعبدری، (ط ۱۴۲۸ ق.).

۶. *تاج المفرق فی تحلیه علماء المشرق* اثر ابوالبقاء خالد بن عیسی بن احمد بن ابراهیم بن ابی خالد البلوی الفتوری، (بی تا).

دستیابی به اسناد عالی روایات و اجازات علما از اهداف مهم سفر علما به حرمین در زمان های گذشته، یکی از راه های کسب علم، هجرت به دیار عالمان و حضور در کلاس درس آنها جهت کسب دانش و معرفت و به دست آوردن اسناد عالی روایات و دریافت اجازه از استادان فن بود. منظور از اسناد عالی در اصطلاح علوم حدیثی - که علما و نویسندگان برای آن اهمیت زیادی قائل هستند - روایاتی است که عدد راویان و واسطه در نقل به حداقل برسد و از ضعف و نقص در سلسله سند به دور باشد (سند نازل، برخلاف آن است). (الناجی لمین، ۲۰۱۶م، ص ۱۹). بدین جهت راویان حدیث علاقه مند بودند به شهرهای محل سکونت عالمان طراز اول، خصوصاً حرمین شریفین، سفر کنند تا از نزدیک و به صورت مستقیم از زبان علمای آن دیار، روایات را بشنوند و برای نقل آن روایت ها، اجازه کتبی یا شفاهی از آنان بگیرند.

در راستای عمل به همین رویه متداول علمی، تعداد پرشماری از علمای مغرب نیز - که به دلیل دوری از مشرق و منبع تمدن و فرهنگ اسلامی، نیاز فوق‌العاده به این سفرها داشتند - به شرق، خصوصاً به مکه و مدینه، سفر می‌کردند تا بدین وسیله بر اسناد صحیح و عالی اخبار و روایات و همچنین کتاب‌هایی که برای مردم نقل می‌کنند، دست پیدا کنند. (همان، ص ۱۸-۱۹)

ابن خلدون از نخستین دانشورانی است که از جنبه تعلیمی و آموزشی حج برای مغربیان آگاهی یافته و بیان کرده است که مغربیان برای شناخت شیوه آموزش استادان حرمین شریفین، به حجاز سفر می‌کردند. (عالی‌بیک احمدی، ۱۳۹۹ش، ص ۵۲)

مشتاقان علم و دین در مغرب با سفر به شرق، خصوصاً حجاز، نه تنها از مشایخ و عالمان مکه و مدینه دانش می‌آموختند، بلکه در آنجا با عالمانی از سراسر جهان اسلام - شامل عراق، مصر، شام، آسیای میانه و خراسان - و در شهرهای واقع در مسیر حرمین شریفین نیز با عالمان مسلمان ملاقات می‌کردند و دانش‌های اسلامی را فرا می‌گرفتند. آنان معتقد بودند دستیابی به اسناد عالی روایات، یک ارزش فوق‌العاده است و سزاوار است جویندگان علوم دینی، با سفر به محل زندگی علما، آن را به دست آورند. (البَلَوی، بی‌تا، ص ۱۴۳)

ابن رُشید سبّتی (۶۵۷-۷۲۱ق.)، از عالمان و محدثان مغربی در قرن هفتم هجری، در اهمیت دستیابی به سند عالی روایات می‌گوید:

نزدیکی سند، مرتبه‌ای است که تنها سعادت‌مندان می‌توانند از آن بهره‌مند باشند و راه آن هم سفر و دیدار با علماست.

در قرب اسناد از راه صحیح، فوائد زیادی وجود دارد که مهم‌ترین و ارزشمندترینش نزدیک شدن سند به پیامبر خدا ﷺ است که از عوامل قرب الهی است. (الناجی لمین، ۲۰۱۶م، ص ۲۰)

شیوه عمل خود ابن رُشید سبّتی در آثار علمیش این است که هنگام نقل روایات، سلسله سند آنها را به صورت کامل ذکر، و به عالی، صحیح یا حسن بودن سند آنها تصریح می‌کند. (همان، ص ۲۱، به نقل از: الاعلام (مخطوط)، ص ۳۲)

اشتیاق دست‌یابی به اسناد عالی روایات و کسب اجازه از اساتید، بدین جهت بود که هرچه سلسله اسناد روایت کمتر و راویان حدیث از وثاقت بیشتری برخوردار بودند، روایت از اتقان بیشتر و در نتیجه از تأثیر افزون‌تری برخوردار بود. از سوی دیگر، مشایخ و عالمانی که شریعت اسلامی را در مکه و مدینه فرامی‌گرفتند، مقبولیت و جایگاه بهتری در نزد عامه داشتند و در انتقال و انتشار دعوت دینی خود شهرهای مغرب موفق‌تر ظاهر می‌شدند؛ زیرا این سفرها موجب اعتماد بیشتر مردم به علما در پذیرش معارف دینی از آنان می‌شد.

در گزارش‌هایی که در سفرنامه‌ها و شرح حال علما در سده‌های میانی پیرامون سفر عالمان مغربی به حرمین شریفین نگارش یافته، مسئله دریافت اجازه از اساتید - اعم از اجازه نقل روایت یا نقل مطالب کتاب استادان - به عنوان یک ضرورت، به چشم می‌خورد؛ مانند:

۱. احمد بن محمد بن هشام (م. ۴۳۰ ق.). سال ۳۹۵ برای انجام فریضه حج به مکه سفر کرد و چندین سال در مکه اقامت گزیده وی نزد ابی القاسم عبیدالله بن محمد السَّقَطی، ابی الحسن علی بن عبدالله بن جهضم، ابی العباس الکرّجی، ابابکر اسماعیل بن عزره و دیگران به تحصیل علم پرداخت و از ابی سعید الواعظ، اجازه نقل روایات کتاب شرف المصطفی ﷺ را دریافت کرد. همچنین ابوبکر الآجری سال ۳۹۸ در مکه برای او اجازه نقل روایت نوشت. (ابن بشکوال، ۲۰۱۰م، ص ۸۸)

۲. ابو عبدالله محمد بن عبدالرحمان تُجیبی (م. ۶۱۰ ق.). از عالمان مغربی است که از ابوطاهر سلفی (ساکن اسکندریه مصر) روایات بسیاری را به صورت قرائت یا سماع دریافت، و اجازه نقل اخذ کرده است (الناجی لمین، ۲۰۱۶م، صص ۲۳-۲۲، به نقل از: کتاب برنامج التجیبی، ج ۲، صص ۳۹۹-۳۹۷).

ایشان درباره ارزش اسناد عالی در روایات گوید:

روایات، برخی دارای سند عالی و برخی نازل، برخی قریب و برخی بعید هستند و کم بودن واسطه و قرب سند، در واقع نزدیکی به خداوند است: (قربه، قرب إلى الله تعالی).

وی سپس در ادامه گفتار خود، برخی از اموری را که باعث ارزش فعالیت و بررسی‌های علمی درباره سند عالی روایات نزد علما هست را نقل کرده است. ایشان به دلیل اخذ روایات از ابوطاهر سلفی (به جهت علو سند وی) خیلی به خود می‌بالید؛ زیرا در مشیخه خود به خاطر سماع روایات از ابوطاهر سلفی با عالمانی مشارکت کرده بود که پیش از تولد وی، از سلفی روایت شنیده بودند. (همان، به نقل از: کتاب برنامه‌ج‌التجیبی، ج ۱، ص ۳۷)

۳. از علمای مشهور به علو سند، شیخ فقیه ابوالحسن علی بن ابی‌نصر فتح بن عبدالله بجائی (م. ۶۵۳) است. ایشان در سفر حج و در مکه از یونس بن یحیی هاشمی و دانشمندانی دیگر سماع حدیث کرد و به بجایه بازگشت و روایات را برای مردم خواند و علاقه‌مندان نیز به حضور او رسیدند و سماع حدیث کردند. او دارای سند بسیار عالی در حدیث بود؛ از جمله اینکه سند او در نقل روایات بخاری از شریف ابی‌محمد بن یحیی بن ابی‌الحسن... است که با چند واسطه به محمد بن اسماعیل بخاری می‌رسد، و این سند بسیار عالی است. بدین جهت، ایشان را با عنوان «الشیخ الفقیه العالم العابد»، که دارای اتقان و ضبط و امانتداری بود، توصیف کردند (الناجی لمین، ۲۰۱۶م، ص ۲۳، به نقل از: الغبرینی، ۱۹۷۹م، ص ۱۳۷)

۴. محمد بن عمر، معروف به ابن رُشید سبّتی فهری (۶۵۷-۷۲۱ق.)، از عالمان و محدثان مغربی در قرن هفتم هجری است. آثار علمی ایشان، حاکی از اهتمام جدی وی در خصوص یافتن سندهای عالی احادیث است. (الناجی لمین، ۲۰۱۶م، ص ۱۲، الغبرینی، ۱۹۷۹م، ص ۲۲۹ و ۲۳۰؛ التنبکتی، ۱۴۲۳ق، ص ۳۰۶) وی هنگام نقل روایات، مقید بود سند آن روایت را از نظر قوت و ضعف به صورت روشن بیان کند. گاهی می‌گوید «وقع عالیا» یا «عال صحیح» یا «عال حسن» و گاهی مرتبه عالی سند را با تفصیل بیان می‌کند؛ مثلاً ایشان روایت «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ بَيْعِ الْوَلَاءِ وَعَنْ هَبْتِهِ» (که عبدالله بن عمر از پیامبر خدا ﷺ نقل کرده) را در کتاب الْأَعْلَامِ از طریق احمد بن حنبل نقل کرده و گفته است: «صَحِيحٌ مُتَّصِلٌ بِالْحَدِيثِ كُلِّهِ، عَالٍ مِنْ حَدِيثِ الْأَمَامِ، أَمَامِ الدُّنْيَا أَبِي عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَنْبَلٍ...». وی در این روایت، سه نشانه

برتری سند را ذکر کرده است: ۱. نزدیکی سند به پیامبر خدا ﷺ؛ ۲. قرب به امام مشهور (امام احمد بن حنبل)؛ ۳. قرب به کتاب مشهور که همان الاعلام است. (الناجی لمین، ۲۰۱۶م، ص ۲۱، به نقل از: الاعلام (مخطوط)، ص ۳۲)

اهتمام به این موضوع باعث شد، ایشان سال ۶۸۴ قمری به حج برود و گزارش سفر حج خود را در یک سفرنامه با عنوان *ملء العیة بما جمع بطول الغیة فی الوجهة الوجهة الی الحرمین مکة و طیبة* ارائه دهد. ابن رشید در این سفرنامه، اطلاعات گسترده‌ای پیرامون نام مشایخ و استادانش در علوم مختلف و کتاب‌هایی که آموخته و اجازه نقل دریافت کرده را آورده است؛ از جمله وی در سفرنامه‌اش (ابن رشید بستی فهری، ۱۴۰۲ق، ج ۵، ص ۱۳۳ و ۱۳۴) از کتاب *حدیثی الأربعون المختارة فی فضل الحج و الزیارة* نوشته جمال‌الدین محمد بن یوسف بن مسدی^۱ - که از آثار حدیثی قرن هفتم هجری، و در بیان محاسن و برتری‌های اعمال حج و زیارت حرم نبوی است - خبر داده که آن را نزد خطیب و امام حرم مکه، ابو عبدالله محمد بن عبدالرحمان مشهور به خلیل المکی، (شاگرد ابن مسدی) خوانده و اجازه نقل دریافت کرده است. (الناجی لمین، ۲۰۱۶م، ص ۱۴ و ۱۵؛ التنبکتی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۱۰۹-۱۱۱)

۵. قاسم بن یوسف *تجیبی سبتی* (م. ۷۳۰ق.)، یکی دیگر از علمای مغربی است که به اهمیت قرب و علو سند روایات تصریح کرده است. ایشان در همین راستا، به نام بردن از کتاب‌هایی که دارای سند عالی است، در آثار خود بسیار رغبت داشت؛ (الناجی لمین، ۲۰۱۶م، ص ۲۲) مثلاً درباره قصیده شاطبی به نام «حرز الامانی و وجه التهانی» - که در قرائات سبعة شهرت دارد - گوید:

بخشی از آن قصیده را به خطیب صالح ابی عبدالله بن صالح قرائت کردم و بقیه آن را از وی دریافت کردم. سپس همه آن قصیده را در یک جلسه به سمع و نظر ایشان رسانیدم؛ به جهت اینکه ایشان همه آن قصیده را در سال ۶۳۱ در جزیره شقر از

۱. ابن مسدی (م. ۶۶۳ق.)، از عالمان اندلس و متوطن در فاس است که بعدها به مکه رفت و خطابه مسجدالحرام و امامت در مقام ابراهیم را در سال ۶۴۱ قمری بر عهده گرفت.

خطیب ابی بکر محمد بن محمد لخمی بن وضاح شنیده بود و این عالی ترین سند در این قصیده است و در تاریخ مغرب، چنین سند عالی یافت نمی شود.^۱ (همان، به نقل از: کتاب برنامه تجیبی، ص ۳۹)

وی همچنین سندی را ذکر کرده که کتاب موطأ مالک را با آن سند به روایت ابی مصعب الزهری دریافت کرده بود.

تجیبی گفته که ابی مصعب الزهری را در بخش شمالی مسجد جامع اموی دمشق دیده و روایات کتاب موطأ را از وی سماع کرده است. وی در ادامه کلامش گفته است:

دستیابی به اسناد عالی، از نتایج و فوائد سفر است. این اسناد بسیار ارزشمند است و در این تاریخ (۶۷۰ق.) در روی زمین کسی را نمی توان یافت که چنین سندی به مالک بن انس رسانده باشد.^۲ (همان، به نقل از: کتاب برنامه تجیبی، ص ۶۴)

اهتمام به یافتن اسناد عالی روایات و دریافت اجازات علما باعث شد تجیبی سال ۶۹۶ قمری از شهر سبته به حجاز سفر کند و سفرنامه خود را با نام *مستفاد الرحلة والإغتراب...* بنویسد. از ویژگی های سفر تجیبی، ملاقات با استادان و عالمان مصر و مکه و دریافت اجازه نامه های متعدد از آنهاست. ایشان در کتاب خود، ضمن گزارش مکان هایی که دیده و در آنجا حضور یافته، شماری از احادیث و چگونگی سماع و دریافت اجازه نقل آنها را ذکر کرده است؛ برای نمونه، وی در فرازی از کتاب خود حدیث «مَكَّةَ (شَرَّفَهَا اللهُ تَعَالَى) مِنْ خَيْرِ أَرْضِ اللهِ، وَأَحَبُّ أَرْضِ اللهِ إِلَى اللهِ»^۳ را نقل کرده و گفته است:

۱. و هذا اسناد عال في هذه القصيدة.

۲. هذا الاسناد أيضاً جليل في غاية العلوّ و ليس يوجد اليوم على وجه الأرض من عنده الاسناد إلى الامام مالك (ره) أعلى من هذا لا في الموطأ و لا في منشور الحديث لاسيّما لامثالنا و لمن ولد في احواز سنه سبعين و ستمائة و هو من فوائد الرحلة.

۳. مکه - که خداوند ارزش و شرف آن را افزون کند - از بهترین و دوست داشتنی ترین زمین ها نزد خداوند است.

شیخ فاضل، مفتی حجگزاران، عمده‌الدین و عمده‌المجاورین، رضی‌الدین ابواسحاق بن محمد مکی، آن را برای ما قرائت کرد و من آن را در مکانی روبه‌روی کعبه معظمه از وی شنیدم. ایشان گفت: این روایت را سلیمان بن خلیل و یعقوب بن ابی‌بکر برای من نقل کردند و آن دو نیز گفتند: زاهر بن رستم به ما خبر داد و وی نیز گفت: کرویخی آن حدیث را برای من روایت کرد.

تجیبی همچنین نوشته است:

روایت یادشده را ناصرالدین ابوحفص بن عبدالمنعم دمشقی نیز به صورت شفاهی به من خبر داد و گفت: من مأذون به نقل آن هستم. (تجیبی سبتی، بی‌تا، ص ۲۳۵)
تجیبی همچنین درباره «ملتزم» روایتی از پیامبر خدا ﷺ نقل کرده است که فرمود: «الْمُلْتَزِمُ مَوْضِعٌ يُسْتَجَابُ فِيهِ الدُّعَاءُ، وَمَا دَعَا عَبْدُ اللَّهِ دَعْوَةً إِلَّا اسْتَجَابَهَا»^۱ و درباره سند این روایت نوشته است:

این روایت را خبر داد به من شیخ صالح، الامام الفاضل، عمده‌المجاورین و نخبه‌المکین، رضی‌الدین ابواسحاق بن محمد بن ابراهیم الطبری ثم المکی؛ به این صورت که من روایت را در مسجدالحرام روبه‌روی کعبه به ایشان قرائت کردم و ایشان سند روایت را به عمرو بن دینار رسانید که وی گفت: از ابن عباس شنیدم که گفت: از پیامبر خدا ﷺ شنیدم که فرمود: الملتزم موضع... (همان، ص ۲۷۶).

این سفرنامه تجیبی، به دلیل دارا بودن محتوای متقن، همواره مورد توجه پژوهشگران بوده است؛ چنان‌که الناجی لمین از علی ابراهیم کردی (در کتاب ادب الرحل فی المغرب و الاندلس، ص ۵۹) نقل کرده است که قاسم تجیبی سال ۶۹۶ حج انجام داد و در مکه با یازده نفر از علما دیدار کرد و از آنان علم آموخت و آنها را معرفی کرد (الناجی لمین، ۲۰۱۶م، ص ۴۵ و ۴۷) همچنین عبدالقادر العافی. در کتاب رحلة الحج و لقاء الشیوخ، التجیبی نموذجاً - که اثری تحلیلی درباره نقش سفر حج در

۱ ملتزم، جایی است که دعا در آنجا به اجابت می‌رسد. بنده‌ای در آنجا از خدا چیزی درخواست نمی‌کند مگر اینکه خداوند دعای وی را اجابت می‌کند.

ایجاد فضای علم و آگاهی و بررسی محتوای سفرنامه قاسم بن یوسف تجیبی است - آورده است که قاسم بن یوسف تجیبی سال ۶۹۶ قمری از شهر سبته به حجاز رفت و در مکه نزد عالمان و مشایخ، منابع و کتب حدیثی مختلفی را خواند و از شماری نیز اجازه‌نامه دریافت کرد.

ابوعبدالله محمد بن محمد بن علی... الحاحی المشهور بالعبدی سال ۶۸۸ قمری به قصد ادای فریضه حج، از مغرب به سمت مراکش، و سپس تونس و مصر رهسپار شد. وی چندین سال در شمال آفریقا به فراگیری دانش و شنیدن حدیث پرداخت. سپس راهی مکه شد، کسب علم کرد و مشاهداتش از سفر حج را در یک سفرنامه با عنوان الرحلة المغربية منتشر کرد.^۱ (الناجی لمین، ۲۰۱۶م، ص ۱۱) عبدی درباره چگونگی دریافت اجازات خود نوشت:

من در یک مجلس، چهل حدیث امام، حافظ، مفتی ابوطاهر سلفی را برای ابوالمنیر قرائت کردم. زین الدین ابوالمنیر نیز آن چهل حدیث را از شیخ جمال‌الدین ابی الفضل یوسف بن عبدالمعطی بن نجا المخیلی برای من نقل کرد، و شیخ جمال‌الدین نیز آن را به صورت قرائت از مؤلفش، ابوطاهر سلفی، دریافت کرده بود. (الناجی لمین، ۲۰۱۶م، ص ۳۱، به نقل از: العبدی، ۱۴۲۸ق، ص ۱۰۲)

ابوعبدالله عبدی هنگام دیدارش با زین الدین ابوالمنیر در مصر، متوجه شد که ایشان مشغول نوشتن کتابی در شرح صحیح بخاری است که هنوز به اتمام نرسیده است. ابوالمنیر بخشی از آن کتاب را - که تا احکام حج بود - به عبدی تقدیم کرد تا در مکه از آن بهره ببرد. عبدی در مکه با شیخ و رئیس‌العلمای مکه، محب‌الدین طبری، دیدار کرد. طبری وقتی کتاب ابوالمنیر مصری را مشاهده کرد، بسیار آن را نیکو یافت و در عظمت و جایگاه رفیع آن کتاب، مطالب مهمی پشت آن نگاهشت. همچنین عبد‌الکریم بن علی الانصاری، سبط امام ابی‌اسحاق عراقی، نیز بر صحت مطالب کتاب ابوالمنیر گواهی داد. خود عبدی نیز آن کتاب را بسیار تحسین کرد

۱. سال درگذشت عبدی مشخص نیست.

و آن را کلید حل مشکلات و چراغ روشنگر در موارد شک و حیرت مردم نامید و از ابوالمنیر، اجازه نقل موارد قرائت شده را دریافت کرد. (الناجی لمین، ۲۰۱۶م، ص ۴۱-۴۲، به نقل از: العبدری، ۱۴۲۸ق، ص ۱۰۰-۱۰۱)

ابوالبقا خالد بن عیسی بن احمد بن ابراهیم بن ابی خالد البَلَوی الفَتوری در دومین سفرش (که در سال ۷۳۶ بوده)، از بلده قیتوریه به حرمین شریفین سفر کرده است و در سفرنامه‌اش با نام تاج المَفْرِق فی تحلیه علماء المشرق...، ضمن تشریح مشاهدات خود از سفر حجاز، نمونه‌هایی از اجازات دریافتی خود از علما را بیان کرده است. وی می‌نویسد:

بزرگ‌ترین، بافضیلت‌ترین، داناترین، کامل‌ترین و زاهدترین کسی که در مدینه ملاقات کردم، «الشیخ الامام الاوحد، ولی الله تعالی، ابو محمد بن اسعد بن علی الیافعی الیمنی الشافعی» بود.

ابن خالد البلوی پس از توصیف بلند بالا از مقام علمی و جایگاه اجتماعی و خدمات وی، گفته است:

ایشان در حرم شریف نبوی رحل اقامت افکنند؛ ولی مجاورت کریمه خود را بین حرمین شریفین مکه و مدینه منوره تقسیم کرد: مدتی در مکه و مدتی در مدینه حضور داشت. من در حرم شریف نبوی، ایشان را ملاقات کردم و از ایشان روایت شنیدم و آن روایت‌ها را نقل کردم. من از زبان وی بسیاری از مطالب کتابش به نام کتاب الارشاد و التطریز فی فضل ذکر الله و تلاوة کتابه العزیز... را سماع کردم و ایشان به من اذن و اجازه تام داد که روایات آن کتاب را نقل کنم. (البَلَوی، بی تا، ج ۱، ص ۱۴۳ و ۲۹۳-۲۹۱)

همچنین می‌نویسد:

در مدینه خدمت عالم بزرگ، جمال‌الدین ابو عبدالله محمد بن احمد بن خلف خزرچی مصری سعدی عبادی، رسیدم و از او اجازه نقل حدیث دریافت کردم؛ به این صورت که وی را در حرم شریف نبوی روبه‌روی روضه شریف، دیدار کردم و بسیاری از چهل حدیث از احادیث رسول الله ﷺ (الاربعین حدیثا) را که «امام، حافظ، عَلم‌الدین برزالی دمشقی» در کتاب الزیارة ابی الیمن عبدالصمد بن عبدالوهاب بن عساکر،

سند آن را تخریج کرده و آن را از ابی الیمن بن عساکر برای من روایت کرده بود، به سمع ابو عبدالله محمد بن احمد بن خلف خزرچی مصری رسانیدم و ایشان نقل آن احادیث را به من اجازه تام داد. (اجازنی اجازة تامة مطلقة عامة). (همان، ج ۱، ص ۲۹۴)

وی درباره سماع حدیث در مکه نیز می‌نویسد:

در مکه مکرمه نیز به دیدار علما و محدثین پرداختم. مهم‌ترین کسی که دیدم شیخ فقیه، خطیب حرم شریف و امام جماعت در آن مکان شریف، ابو عبدالله محمد بن عبد الرحمان بن محمد بن عمر مکی مالکی، مشهور به خلیل، بود. من ایشان را در حرم شریف مکه روبه‌روی کعبه معظمه و همچنین در منزل ایشان - که در نزدیکی حرم شریف بود - چندین نوبت ملاقات کردم و خیلی به منزل ایشان رفت‌وآمد کردم. من از کسانی بودم که هم از روی فراگرفتن امور فقهی و هم به صورت دیدار و استفاده عملی، از نظرات فقهی ایشان در مناسک حج خود استفاده کردم و از ایشان بهره‌های زیادی بردم؛ زیرا من ملازم و پیرو ایشان بودم و روایات زیادی را سماع کردم. ایشان نیز به صورت جامع و کامل، نقل روایات را به من اجازه تام داد (اجازنی اجازة تامة و مطلقة عامة). (همان، ج ۱، صص ۳۱۴-۳۱۳)

در جای دیگری نیز می‌نویسد:

از جمله عالمانی که دارای سند عالی در روایات بود، شیخ عالم شرف‌الدین ابوالعباس احمد بن ابی‌الحسن علی بن عبد‌العزیز بن عبدالله الکتامی الشافعی، شهیر بابن المصطفی، بود. ایشان را در شهر اسکندریه دیدار کردم و نوشته‌های زیادی به سمع ایشان رسانیدم (قرائت کردم) و از ایشان بهره علمی فراوانی بردم؛ خصوصاً از فرصت استفاده کردم، همه کتاب‌الشهاب نوشته قضاعی رحمته الله علیه را برای ایشان قرائت کردم و ایشان سند روایات آن را از شیخ و استاد خود، سعدالدین عبدالرحمان بن حسن بن حمزه - که از وی دارای اجازه بود - برای من اجازه نقل صادر کرد. همچنین از شیخ و استاد خود، شیخ ابی‌البرکات هبة‌الله بن زویر ازدی اسکندری، برای من بازگو کرد و نقل همه را برای من اجازه داد. من در زمان حضور در نزد وی، بخش قابل توجهی از کتاب

موطأ الامام مالک بن انس رضی اللہ عنہ را قرائت کردم و از دست مبارک ایشان، همه آن روایات را دریافت کردم. (البُلُو، بی تا، صص ۲۰۴-۲۰۳)

نقش سفرهای علمی و اجازات علما در انتقال علم و فرهنگ به مغرب

مسجد الحرام و مسجد النبی، به مثابه یک دانشگاه بزرگ بودند که جویندگان علم از انحاء عالم اسلامی به سوی آن رهسپار می شدند تا دانش و معرفت دینی را از اندیشمندانی فرا بگیرند که در علوم مختلف مثل فقه، حدیث، تفسیر، تاریخ و علم قرائات از همگان سرآمد بودند. (الشوابکه، ۱۴۲۸ق، صص ۷۸-۷۹)

علمای مغرب نیز که با هدف انجام فریضه حج و کسب علوم اسلامی به حرمین شریفین سفر می کردند، در جست و جوی استادانی بودند که در علوم رایج اسلامی تخصص داشته و مهذب و خودساخته باشند. آنان در مدت اقامت خود، همزمان با کسب علم، با سجایای اخلاقی و سلوک عملی آن عالمان نیز آشنا و تربیت می شدند و علم و عمل را با هم درمی آمیختند. در این میان، اجازات علمی آن استادان که به عنوان الگوی زندگی برای عالمان مهاجر مغربی مطرح بودند، مهر تأییدی بر اندوخته های علمی علمای مغرب، و به عنوان یک سرمایه معنوی برای آنان به شمار می آمد. علمای مهاجر مغربی در پرتو آن اجازات، پس از بازگشت به مغرب، نقش بسیار مهمی در تعلیم و تربیت مردم و گسترش علوم دینی در سرزمین های مختلف مغرب داشتند. تأثیر این سفرهای علمی، خصوصاً اجازات علمای حرمین، در فعالیت فرهنگی علمای مغرب را می توان در چند محور دسته بندی کرد:

۱. تحول در حوزه های درسی و علوم دینی

مکه و مدینه از دیرباز محل استقرار اندیشمندان مسلمان بود که هر کدامشان در یک یا چند رشته علمی دارای کرسی تدریس و صاحب آثار علمی بودند. شاگردانی که از مناطق مختلف به این دو شهر هجرت می کردند، می کوشیدند در حوزه درسی این اساتید پرورش یابند و ضمن فراگیری علوم و دریافت اجازات، آثار علمی استادان خود را به عنوان یک سرمایه مهم به مناطق زندگی خود منتقل کنند.

یکی از دستاوردهای سفر علمای مهاجر مغربی به حرمین شریفین، آشنایی با این متون معتبر علمی بود. مغربیان پس از سپری کردن دوران تحصیل و دریافت اجازات علمی در خصوص قرائت محتوای آن کتاب‌ها، برخی از آن کتاب‌ها را همراه خود به مغرب می‌بردند. بر پایه گزارش‌های تاریخی، این امر در قرون میانی باعث گسترش علوم دینی و تحول و دگرگونی اساسی در مکاتب فقهی مغرب گردید.

ابوعلی ناصرالدین منصور بن احمد بن عبدالحق زواوی مشدالی (م. ۷۳۱ق.) که از ایشان به عنوان «امام و مجتهد متفنن» یاد می‌شود - مدت بیست سال در مکه اقامت داشت و با علما و فضلا دیدار کرد و از آنها دانش فراگرفت؛ از جمله آنها العز بن عبدالسلام است که ناصرالدین منصور مدتی با ایشان ملازم بود و از او بهره علمی زیادی برد. وی از ابن حاجب نیز روایت نقل کرد.

این شخص (ناصرالدین منصور) کتاب جامع الامّهات یا المختصر الفرعی نوشته ابن حاجب را اولین بار به بجایه مغرب برد. این کتاب در برابر کتاب المدونه الکبری نوشته ابن قاسم، عرض اندام کرد. نشانه آن هم این است که به محض ورود این کتاب به مغرب، علما آن را به شاگردان خود تدریس کردند. خود ابوعلی ناصرالدین منصور بن احمد بن عبدالحق زواوی مشدالی که آن کتاب را از مکه با خود به مغرب آورده بود، آن را به عنوان متن درسی برگزید و به شاگردانش تدریس کرد. (الناجی لمین، ۲۰۱۶م، ص ۳۷، به نقل از: التنبکتی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۳۰۹)

ورود این کتاب‌ها به مغرب، تأثیر بسیار زیادی در رشد علمی مغربیان داشت. به محض ورود این کتاب‌ها به مغرب، علما اقدام به شرح آنها کردند؛ برای نمونه امام ابوزید عبدالرحمان بن محمد بن عبدالله بن الامام التونسی (م. ۷۴۳ق.) به شرح مختصر ابن حاجب پرداخت. الناجی لمین، نام هفت تن دیگر از علما همراه با نام شرحشان به مختصر ابن حاجب را در کتاب رحلات علماء المغربین الأقصى والأوسط... (ص ۳۷ و ۳۸) نقل کرده و نوشته است: برخی از علما، علاوه بر شرح آن کتاب‌ها، کتاب المختصر ابن حاجب را حفظ کردند؛ مانند فقیه ابوالروح عیسی بن مسعود منکلاتی زواوی (م. ۷۴۳ق.). (الناجی لمین، ۲۰۱۶م، ص ۳۸).

پس از مختصر ابن حاجب، کتاب‌های دیگری نیز وارد عرصه‌های علمی مغرب شد؛ از جمله: مختصر خلیل بن اسحاق مصری (م. ۷۷۶ق.). این کتاب را اولین بار ابو عبدالله محمد بن عمر بن فتوح تلمسانی و سپس مکناسی (م. ۸۱۷ق.) در سال ۸۰۵ قمری به مغرب بردند. (الناجی لمین، ۲۰۱۶م، ص ۳۸ و ۳۹، به نقل از: التنبکتی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۱۷۰ و ۱۷۱) پس از آن، دو کتاب *الشامل فی الفقه* و شرح مختصر خلیل نوشته شیخ بهرام بن عبدالله مصری (م. ۸۰۵ق.) توسط ابو عبدالله محمد بن ابراهیم بن عبدالرحمان تلمسانی به مغرب راه یافت. (الناجی لمین، ۲۰۱۶م، ص ۳۹، به نقل از: التنبکتی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۱۹۸)

مراجعه تحصیل کردگان مغربی، جنب و جوشی جدید در زمینه آشنایی مردم با معارف دینی ایجاد می‌کرد. آنها وقتی از سفر حرمین بازمی‌گشتند، با استقبال گرم مردم مواجه می‌شدند و زمینه خوبی برای تبلیغ مبانی دینی فراهم می‌دیدند. ابوزید عبدالرحیم بن محمد الیزناسنی، یکی از این مهاجران است. *غبرینی در عنوان الدرایه* در توصیف شخصیت و منزلت علمی و نقش ایشان در گسترش علوم و معارف دینی در مغرب گفته است:

وی فقیه، عالم فاضل، محصل متقن مجتهد، از عالمان با سابقه مغربی است که شایستگی تقدم و برتری دارد. او که در سفر مشرق با استادان فاضل دیدار کرد و در راه تعلیم و تربیت خویش بسیار کوشش کرده بود، رتبه علمی و معنوی بالایی به دست آورد. وی پژوهنده مذهب مالک و اصول فقه بر مذهب اقدمین و اهل اجتهاد بود و خود را از هر گونه وابستگی دنیایی پیراسته بود. پس از بازگشت، مورد توجه مغربیان قرار گرفت و مرجع مردم و محل رجوع علمای مغرب واقع شد. (الناجی لمین، ۲۰۱۶م، ص ۴۳، به نقل از: الغبرینی، ۱۹۷۹م، ص ۲۵۸ و ۲۵۹)

۲. تربیت دانش‌طلبان و صدور اجازه

طیفی از عالمان مهاجر مغربی که با درک ضرورت خدمت به مردم اقدام به این سفرهای علمی کرده بودند، پس از فراگیری علوم و دریافت اجازات از استادان،

وظیفه خود می‌دانستند به مغرب باز گردند و به بازنشر معارف دینی بپردازند. کسانی که در این سفرهای علمی، تخصص‌های لازم را کسب کرده بودند و اجازات علمای حرمین را به عنوان یک سرمایه ارزشمند همراه خود داشتند، به محض ورود به مغرب در کرسی استادی قرار گرفتند و به تعلیم و تربیت شاگردان خود پرداختند. این گروه از فارغ‌التحصیلان حرمینی - که اینک به کرسی استادی در مغرب تکیه زده بودند - پس از طی مراحل علمی برای شاگردان خود اجازه صادر می‌کردند.

احمد بن فتح بن عبدالله (م. ۴۰۳) - که در سفر مکه با حمزة بن محمد الکنانی (حافظ قرآن)، ابوالحسن احمد بن عتبة الرازی، ابن رشیق، ابن ابی‌رافع، و ابوالعلاء ابن ماهان و گروهی دیگر دیدار کرد و از آنان صاحب اجازه نقل روایت شده بود (خصوصاً از ابن ماهان اجازه نقل صحیح مسلم را دریافت کرده بود) - پس از بازگشت به مغرب مورد توجه دانش‌طلبان قرار گرفت. جست‌وجوگران علوم و معارف دینی، از مناطق مختلف، در مکتب علمی ایشان حضور یافتند و مشغول علم‌آموزی شدند. آنان نیز همچون سلف خویش به شاگردان خود اجازه نقل روایات و کتب را اعطا می‌کردند؛ چنان‌که در تاریخ زندگی خولانی، گفته شده که از این استاد، اجازه نقل روایت دریافت کرده است. (ابن بشکوال، ۲۰۱۰م، ص ۶۱)

احمد بن محمد بن هشام (م. ۴۳۰ق.). سال ۳۹۵ در مکه از ابی‌القاسم عییدالله بن محمد السَّقَطی و ابالحسن علی بن عبدالله بن جهضم علم فراگرفت و از ابی‌سعید الواعظ، اجازه نقل روایات کتاب شرف المصطفی ﷺ را دریافت کرد. همچنین ابوبکر الآجری سال ۳۵۸ در مکه برای او اجازه نقل روایت نوشت.

او کسی است که گروهی از علما از او علم فراگرفتند و اجازه نقل روایت دریافت، و حدیث نقل کرد؛ از جمله: قاضی یونس بن یونس بن عبدالله (در بعضی از تألیفاتش)، ابو عمر بن عبدالبر، ابومروان الطَّبَنی، ابو عبدالله محمد بن فرج و ابو عبدالله الخولانی. (همان، ص ۸۸)

احمد بن عمر بن انس (۳۹۳-۴۷۸)، اهل المَریة، چندین سال برای تحصیل علم در مکه اقامت گزید و سال ۴۱۶ به مغرب بازگشت. در طول این مدت در حجاز بسیار

به استماع از محضر درس ابی العباس الرازی، ابی الحسن بن جهضم، ابی بکر محمد بن نوح الاصفهانی و علی بن بُندار القزوینی پرداخت.

وی با شیخ حافظ اباذر عبد بن احمد الهروی مصاحبت داشت و صحیح بخاری را چندین مرتبه از او سماع کرد. علاوه بر آن، از جماعتی از محدثان اهل عراق و خراسان و شامات که اهل علم و روایت بودند و در مکه حضور داشتند، سماع حدیث کرد. پس از بازگشت به اندلس، بسیاری از مردم از او حدیث شنیدند و بسیاری از بزرگان علما - از جمله ابو عمر بن عبدالبر، ابو محمد بن حزم، ابوالولید الوقّشی، طاهر بن مُقَوِّز و ابوعلی الغسانی - و گروهی از بزرگان شیوخ از او حدیث نقل کردند. (همان، ص ۱۱۰)

ابوالحسن علی بن ابی نصر فتح بن عبدالله البجائی (م. ۶۵۲) در مکه از یونس بن یحیی هاشمی و دانشمندانی دیگر سماع حدیث کرد و به بجایه بازگشت و روایات را برای مردم خواند و علاقه‌مندان به حضور او بار یافتند و سماع حدیث کردند. (الغبرینی، ۱۹۷۹م، ص ۱۳۷)

ابواسحاق ابراهیم بن یخلف بن عبدالسلام التلمسانی المظماطی، از دیگر عالمان مهاجر مغربی است که ریاست تدریس و فتوا در تمام اقطار مغرب به او رسید. احمد بابا التنبکتی در شرح حال وی گفته است:

ایشان از اولیای خدا، و جامع بین ظاهر و باطن بود. وی سفرهای زیادی به شرق و غرب داشت. هنگامی که به تلمسان هجرت کرد، سلطان آنجا به همراه فقها از ایشان درخواست کردند که در تلمسان اقامت کند. وی نیز آن تقاضا را پذیرفت و به تعلیم و تربیت شاگردان پرداخت. مردم مناطق مختلف وقتی از حضور وی در تلمسان باخبر شدند، به حضورش بار یافتند و کسب علم کردند. (الناجی لمین، ۲۰۱۶م، ص ۴۴، به نقل از: التنبکتی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۲۱)

۳. گسترش معارف قرآنی

مکه و مدینه - به عنوان محل نزول قرآن کریم - از همان سال‌های نخست تاریخ اسلام، مهد تعلیم و تعلم در حوزه قرآن و علوم قرآنی بود که با حضور و استقرار

اندیشمندان و اساتید صاحب نام در حوزه علوم قرآنی، هر روز بر رونق آن افزوده می‌شد. در شرح حال شماری از علمای مهاجر مغربی به حریمین شریفین نیز کسب تخصص در زمینه علوم و معارف قرآنی به عنوان یکی از اهداف هجرت آنان دیده می‌شود.

احمد بن محمد بن عبدالله (۳۴۰-۴۲۹). یکی از مهاجران مغربی است که در مکه از ابی الطاهر محمد بن محمد بن جبریل العجیفی، اباحفص عمر بن محمد بن عراق، ابا الحسن بن جهضم و گروهی دیگر، و در مدینه از ابوالحسن یحیی بن حسین المطلبی علوم رایج را فرا گرفته بود.

وی با اندوخته فراوانی از علم به اندلس بازگشت و یکی از امامان در علم قرآن گردید. ایشان پس از بازگشت به قرطبه، اقدام به خوانش روایات و قرائت قرآن برای مردم، خصوصاً جست‌وجوگران علوم و معارف قرآنی، کرد. (ابن بشکوال، ۲۰۱۰م، ص ۸۴ و ۸۵)

در تبیین سفر عبدالوهاب بن محمد بن عبدالوهاب عبدالقدوس الانصاری (۴۰۳-۴۶۲) به حریمین گفته شده است که ایشان در مکه از ابی بکر محمد بن علی المطوعی و دیگران حدیث فراگرفت و از بزرگان خطبا و حفاظ و از بهترین عارفان به علم قرائت و راه‌های آن گردید و قرائت‌های صحیح را بسیار نیکو ضبط کرد. (همان، ص ۴۸۱)

۴. نگارش کتاب

نگارش آثار علمی، یکی از دستاوردهای سفر علمای مغربی به مشرق و حریمین شریفین است که با تأسی به روش‌ها و آثار علمی استادان صورت می‌گرفت. نجم‌الدین بن شاس، در سفر حج، با فقیه اصولی ابوزید عبدالرحیم بن محمد یزناسنی در مصر ملاقات کرد و در زمینه روش ترتیب مسائل فقهی و فتاوی مالک و نگارش آن به شکل و سیاق کتاب *الوجیز ابو حامد غزالی در فقه شافعی* به مشورت پرداخت. نجم‌الدین از او درخواست کرد که وی را در ترتیب مسائل فقهی مالک یاری کند تا ایشان بتواند با نگارش کتابی در تبیین مسائل فقهی و فتاوی مالک بن انس به گونه‌ای عمل کند که آن

مسائل برای پیروان مذهب مالکی تحت یک ضابطه درآید و آنان بتوانند با سهولت، آن مسائل را دریافت کنند. نجم‌الدین پس از این مشورت، اقدام به نگارش کتاب *الجواهر الثمینه* کرد. (الناجی لمین، ۲۰۱۶م، ص ۴۰، به نقل از: ابن شاس، ۱۴۱۵ ق، ج ۱ (مقدمه کتاب)، ص ۴-۳)

سفرنامه‌نویسی یکی دیگر از دستاوردهای سفر علمای مغرب است. تعداد قابل توجهی از علمای مغرب، پس از سفر به حرمین، سفرنامه نوشتند آنان در سفرنامه‌های خود به این موارد می‌پرداختند: شهرهایی که دیدند و گذر کردند، محافل و مجالس علمی که با علما در شهرهای مختلف حرمین و مسیرهای منتهی به آن داشتند، علمایی که دیدار، و از آنان دانش کسب کردند و کتاب‌هایی که دیدند، شنیدند یا خواندند و روایت کردند (الناجی لمین، ۲۰۱۶م، ص ۲۷) که می‌توان برای نمونه به موارد ذیل اشاره کرد:

- *النجوم المشرقة في ذكر من أخذت عنه من ثبت وثقة*، نوشته ابو عبدالله محمد بن قاسم بن عبدالرحمان... تمیمی فاسی (م. ۶۰۴ ق). وی در این کتاب نام یکصد نفر از علما را ذکر کرده است.

- *ملء العمیة بما جمع بطول الغیة في الوجهة الوجیهة إلى الحرمین مکة و طیبة*، نوشته ابن رشید سبتی. وی در این کتاب به ذکر شهرها، محافل و مجالس علمی، علمایی که دیدار، و از آنان دانش کسب کرده، کتاب‌هایی که سماع کرده یا خوانده و روایت کرده، پرداخته است. در این کتاب، شرح حال علما و اسناد روایات و کتاب‌ها به صورت برجسته بیان شده است.

- *الرحلة المغربية*، نوشته ابو عبدالله محمد بن محمد بن علی، الحاحی المشهور بالعبدری، البلسنی (م. حدود ۷۲۵). ایشان در این کتاب از شهرها و اجتماعات مردمی به صورت وسیع اسم برده و نام علمایی که با آنان دیدار کرده و مذاکره علمی داشته و از آنان علم آموخته را آورده است.

- *مستفاد الرحلة و الاغتراب*، نوشته قاسم بن یوسف تُجیبی سبتی (م. ۷۳۰ ق). ایشان در این کتاب کلیه علمایی که از آنها حدیث فراگرفته را معرفی کرده است.

البته ایشان غیر از آن، کتاب‌های دیگری در موضوعات مختلف، از جمله کتابی در مشیخه خود دارد که پس از کتاب *مستفاد الرحلة و الاغتراب* نوشته است.

- کتاب *مشیخه*، شیخ فقیه و محدث احمد بن سعید معروف به رعینی و السراج (م. ۷۷۹ق.). وی در آن، نام همه اساتید خود را که در شرق و غرب از آنها دانش آموخته، ذکر کرده است.

این کتاب‌ها منبع مهم تاریخی برای شهرهای اسلامی، خصوصاً شهرهای حجاز، نیز محسوب می‌شد؛ زیرا تاریخ حجاز پس از ازرقی (م. ۲۵۰ق.) و فاکهی (م. ۲۸۰ق.) در قرن سوم، تا قرن هشتم، زمان تقی‌الدین فاسی، به بوته فراموشی سپرده شد. سپس فاسی در قرن هشتم با نگارش کتاب‌های *العقد الثمین و شفاء الغرام* تا حدودی تاریخ مربوط به قرون میانی حجاز را یادآور شد؛ اما کافی نبود؛ از این رو سفرنامه‌های علمای مغربی در قرون میانی، نقش بارزی در تبیین تاریخ حجاز داشت.

نتیجه‌گیری

این تحقیق که پیرامون سفرهای حج علمای مغرب در سده‌های میانی است، نشان داد آنان به دلیل دوری از حجاز و نزدیکی به اروپا - که عامل تهدید باورها و اخلاق مردم به شمار می‌رفت - نیاز فوق‌العاده به کسب علم از مرکز اصلی و مهد گسترش معنویات و علوم اسلامی (مکه و مدینه) داشتند.

هدف اصلی اندیشوران مغربی در این سفرها، دستیابی به سندهای عالی حدیثی و دریافت اجازه نقل احادیث از استادان بود. آنان پس از سماع روایات از اساتید یا قرائت روایات در محضر آنها و حصول اطمینان از صحت سند روایات، اجازه نقل روایات یا محتوای کتاب‌های علما را به صورت شفاهی یا کتبی از اساتید دریافت می‌کردند.

دستیابی به سند عالی روایات از منظر علمای مغربی، یک ارزش فوق‌العاده محسوب می‌شد که تنها راه آن، سفر به محل زندگی علما و دیدار با آنها بود؛ بدین جهت آنان مقید بودند در حضور اساتید، سلسله سند روایات را از نظر عالی، صحیح و یا حسن بودن به صورت

کامل به دست آورند؛ زیرا هرچه سلسله سند روایت کمتر، و راویان حدیث از وثاقت بیشتری برخوردار بودند، روایت از اتقان بیشتر، و در نتیجه تأثیر افزون تری برخوردار بود.

شواهدی که این نظر را تأیید می کند، منابع تاریخی مربوط به سده های میانی است که چگونگی سفر و تحصیل علما و دریافت اجازات علما در آنها گزارش شده است. علمای مغربی در این سفرهای علمی به دنبال تحصیل از عالمانی بودند که با کمترین واسطه و با سندهای معتبر، روایات و احادیث را به علمای مغربی ارائه، و به آنان اجازه نقل آن احادیث را دهند.

علمای مهاجر مغربی متأثر از این سفرها و اجازات علمی، در فرهنگ مغرب تأثیر بسزایی داشتند. شماری از آنها با انتقال کتاب های استادان خود به مغرب و تشکیل حوزه درسی و تربیت شاگرد یا نگارش کتاب های علمی، به تعمیق و توسعه علوم دینی کمک کردند، و برخی نیز با نگارش سفرنامه ها و ارائه گزارشی از شهرهایی که دیده بودند، محافل و مجالس علمی که با علما داشتند و کتاب هایی که از اساتید شنیده، خوانده یا روایت کرده بودند سعی کردند، نظام آموزشی، شیوه تدریس و شیوه تأسیس و مدیریت مدارس دینی و مساجد، وضعیت اجتماعی و فرهنگی، عادات، آداب، رسوم و سنت های دینی اهالی شهرهای مسلمان نشین، خصوصاً مکه و مدینه، را به مغرب منتقل، و سهمی در فرهنگ و تمدن آن مناطق ایفا کنند.

منابع

- * قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
۱. ابن بشکوال، ابوالقاسم (۲۰۱۰م)، الصلوة فی تاریخ ائمة الاندلس و علمائهم و محدثیهم و فقهایهم و ادبائهم، تحقیق، بشار عواد معروف، تونس، دارالغرب الاسلامی، چاپ اول.
 ۲. ابن رُشید سبّتی فهری، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۰۲ق)، ملء العیبة بما جمع بطول الغیبة فی الوجهة الوجیة الی الحرمین مکه و طیبة، تحقیق محمد بلخوجه، تونس، دارالتونسیه للنشر.

٣. ابن شاس، ابو محمد عبدالله بن نجم (١٤١٥ق.) عقد الجواهر الثمينة فى مذهب عالم المدينة، تحقيق محمد ابوالاحسان و عبدالحفيظ منصور، دارالغرب الاسلامى، چاپ اول.
٤. ابن مرزوق الخطيب، ابو عبدالله محمد بن احمد (بى تا)، عجلة المستوفى المستجاز فى ذكر من سمع من المشائخ دون من اجاز من ائمة المغرب و الشام و الحجاز، نسخه در الخزانة الملكية رباط، ش ٣٦.
٥. ايناس رمضان عبدالنواب المسلم (٢٠١٢م.)، هجرات المغاربة إلى بلاد الحجاز و تأثيرهم السياسى و الحضارى على المجتمع الحجازى فى الفترة من مطلع القرن الثالث الهجرى إلى نهاية القرن الخامس الهجرى، رساله كارشناسى ارشد، مصر، دانشگاه الفيوم - دانشكده دارالعلوم.
٦. يعلى حفناوى، (٢٠١٨م.)، الرحلات الحجازية المغربية: المغاربة الأعلام فى البلد الحرام؛ دراسة نقدية ثقافية، الجزائر، داراليازورى العلميه للنشر و التوزيع.
٧. البَلَوَى، خالد بن عيسى (بى تا)، تاج المفرق فى تحلية علماء المشرق، مقدمه و تحقيق حسن بن محمد سائح، لجنه المشتركة لنشر التراث الاسلامى بين المملكة المغربية و دولة الامارات المتحدة العربية.
٨. تجيبى سبتى، قاسم بن يوسف (بى تا)، برنامج التجيبى، تحقيق عبدالحفيظ منصور، ليبيا - تونس، الدار العربية للكتاب.
٩. تجيبى سبتى، قاسم بن يوسف، (بى تا)، مستفاد الرحله و الاغتراب.
١٠. تجيبى، ابو عبدالله محمد بن عبدالرحمان، (بى تا)، برنامج التجيبى، اطروحة موجودة بمؤسسة دارالحريث الحسينيه بالرباط، تحقيق الدكتور الحسن بن سعيد.
١١. التنبكتى، احمد بابا (١٤٢٣ق./٢٠٠٤م.)، نيل الابتهاج بتطريز الديباج، تحقيق: على عمر، القاهرة، مكتبة الثقافة الدينية، چاپ اول.
١٢. حدادى، احمد (١٤٢٤ق.)، الرحلة ابن رشيد السبتى؛ دراسة و تحليل، مغرب، منشورات وزارة الأوقاف و الشؤون الاسلامية، چاپ اول.
١٣. حمد الجاسر، سلسله مقالات (آوريل ١٩٦٩م.)، «الحجاز فى القرن السابع الهجرى على ما فى رحلة ابن رشيد الأندلسى»، مجله العرب سعودى، شماره ١ (اكتوبر ١٩٦٩م.)، ص ٦٣ - ٥٥؛ نيز: شماره ٧

١٤. الشوابكة، نوال عبدالرحمان محمد (١٤٢٨ق/٢٠٠٨م.)، ادب الرحلات الاندلسية و المغربية حتى القرن التاسع الهجرى، عمان، وزارة الثقافة، دارالمأمون للنشر و التوزيع.
١٥. على بيك احمدى، ميرآقا (١٣٩٩ش.)، مأخذشناسى حج و حرمين شريفين در مغرب اسلامى تا دوران معاصر، پژوهشكده حج و زيارت.
١٦. عبدالقادر العافية (١٤٢٨ق.)، رحلة الحج و لقاء الشيوخ: التجيبي نموذجاً مغرب، دارابن حزم، مركز التراث الثقافى.
١٧. العبدري، ابو عبدالله محمد بن محمد بن على (١٤٢٨ق.)، الرحلة المغربية، الجزائر، منشورات مؤسسة بونه للبحوث و الدراسات، چاپ اول.
١٨. الغبرينى، ابوالعباس احمد بن احمد (١٩٧٩م.)، عنوان الدرايه فيمن عرف من العلماء فى المائة السابعة ببجاية، تحقيق عاويل نويهض، بيروت، دارالآفاق الجديده، چاپ دوم.
١٩. كردى، على ابراهيم (٢٠١٣م.)، ادب الرحل فى المغرب و الاندلس، دمشق، منشورات الهيئة العامة السورية للكتاب، وزارة الثقافة.
٢٠. الناجى لمين (٢٠١٦م.)، رحلات علماء المغربيين الأقصى و الأوسط المكية و آثارها العلمية من خلال القرنين السابع و الثامن الهجريين، القاهرة، دارالكلمة للنشر و التوزيع.